

Validation assessment of the sentence "mesli la yobayeo le mesleh"; the sourceology investigation

Hassan Ahmadiyan Delaviz¹ | Masomeh Esmaeeli²
(DOI): [10.22034/skh.2024.18339.1510](https://doi.org/10.22034/skh.2024.18339.1510)

Abstract

Original Article
P 181 -198

Justice is a rational and religious doctrine that has always been targeted by the prophets and divine guardians and the successors of the Prophet of Islam. Dealing with the issue of justice originated from the innocent demands that were mentioned in the letters of the imams, it is their goal and serious demand. The issue of the article is, what is the logic governing the infrastructures and areas of justice in the letters of Imams? The logic governing the infrastructure of justice, its theological foundations, including its theological, anthropological, and epistemological basis, is the targeting of justice and its association with the fight against corruption, that these three cover the logic of justice in the sense of why and its place. The areas of justice include emotional, moral, political, economic and legal areas, each of which is achieved by different methods. Economic justice is achieved by resolutely auditing the Treasury, taking back the property of the Treasury, punishing the economic corruptors and removing the corrupter from the agency cycle, and legal and moral justice is achieved by determining the guidelines and political justice is achieved by the two strategies of functional monitoring and the government's fight against corruption and of course, the way to achieve self-righteousness is to establish piety in the self. These instructions along with the ruling logic have been extracted from the letters of Shia Imams and examined in an analytical way.

Keywords: Justice, fight against corruption, Shia Imams, Imams' letters

1 - Ahl al-Bayt (AS) History Department, History, Sira and Islamic Civilization Complex of Al-Mustafa (PBUH)
Al-Alamiya University, Qom, Iran. hasan_ahmadyandelaviz@miu.ac.ir

2 - Department of Shia Studies, Hoda Faculty, Qom, Iran. masomehesmaeehi@yahoo.com

Received: 2022/09/01 | Accepted: 2022/11/11



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

منطق حاکم بر زیرساختها و ساحات عدالت بر اساس نامه های امامان شیعه

حسن احمدیان دلاویز (نویسنده مسؤول)^۱ | معصومه اسماعیلی^۲

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/skh.2024.18339.1510](https://doi.org/10.22034/skh.2024.18339.1510)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

چکیده

ص: ۱۹۸/۱۸۱

عدالت، آموزه‌ای عقلانی و دینی است که همواره مورد هدف‌گذاری انبیا و اوصیای الهی و جانشینان پیامبر اسلام (صلی الله علیه آله) بوده است. پرداختن به مسأله عدالت، برخاسته از مطالبه‌ای معصومانه است که در نامه‌های ائمه علیهم السلام مورد اشاره قرار گرفته، هدف و مطالبه جدی ایشان است. مسأله مقاله این است که منطق حاکم بر زیرساختها و ساحات عدالت در نامه‌های ائمه علیهم السلام چیست؟ منطق حاکم بر زیرساختهای عدالت، مبانی الهیاتی آن از جمله مبنای خداشناختی، انسان شناختی و معرفت‌شناختی آن نیز هدف‌گذاری عدالت و تلازم آن با مبارزه با فساد است که این سه، منطق عدالت به معنای چرایی و جایگاه آن را پوشش می‌دهند. ساحات عدالت شامل ساحات نفسانی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی است که هرکدام با روشهایی حاصل می‌شوند. عدالت اقتصادی با قاطعیت در حسابرسی بیت المال، پس گرفتن اموال بیت المال، مجازات مفسدان اقتصادی و حذف مُفسد از چرخه کارگزاری حاصل شده و عدالت حقوقی و اخلاقی با تعیین دستورالعملها و عدالت سیاسی با دوازهکار نظارت عملکردی و مبارزه حکومتی با فساد بدست می‌آید و البته راه تحقق عدالت نفسانی، استقرار تقوا در نفس است. این دستورالعملها به همراه منطق حاکم از نامه‌های امامان شیعه (علیهم السلام) استخراج شده و به روش تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: عدالت، مبارزه با فساد، امامان شیعه، نامه های ائمه

^۱. گروه تاریخ اهل بیت (ع)، مجتمع تاریخ سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی (ص)، قم، ایران.

hasan_ahmadyandelaviz @miu.ac.ir

^۲. استادیار گروه شیعه شناسی، دانشکده بنت الهدی، قم ایران. masomehesmaeehi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۶ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰



۱. مقدمه

عدالت، آموزه‌ای است که عقل بشر آن را نیکو دانسته و دین، به گسترش و تثبیت آن در ساحات گوناگون فرمان داده و استواری حکومت‌ها را بر این رکن، مستقر می‌داند. نیز از اصول اساسی اخلاق و پایه‌ی ارزش‌گذاری برای بسیاری از افعال و رویکردهاست. این آموزه در ادیان الهی، یکی از اصول انکارناپذیر اخلاقی است که به گسترش آن تاکید شده است. انبیا و اوصیای الهی همواره در استقرار عدالت و مبارزه با فساد تلاش کرده‌اند و جانشینان پیامبر اسلام که از دیدگاه شیعه، امامان معصوم هستند، خود مزین به عدل و امر کننده به آن محسوب می‌شوند.

اصل عدالت، که حُسن آن مورد پذیرش عقل بشری است، مورد توجه و تأکید ویژه در جهان‌بینی و الهیات اسلامی قرار گرفته و دستورالعمل‌های اسلامی در جهت استقرار عدالت از منابع قرآن کریم، روایات و مکتوبات پیامبر اسلام و امامان شیعه، عقل و اجماع قابل استنباط است. این آموزه در اندیشه اسلامی در نقطه مقابل ظلم و فساد قرار گرفته و با مبارزه با فساد در تلازم است. نیز از ارکان و مقومات تشکیل حکومت اسلامی است به نحوی که حکومت بدون عدالت قوامی ندارد و اینها همه ریشه در دستور خداوند متعال در استقرار و گسترش عدالت دارد. امامان شیعه که در علم، عدالت، اخلاق و تقوای ایشان شک و اختلافی نیست، عدالت را در خطبه‌ها، نصایح و نامه‌های خود توصیه کرده^۱ و در اقوال و افعال خویش به آن ملتزم بوده‌اند. نیز عدالت را برای قوام و استواری مردم در دفاع از نظام سیاسی لازم دانسته‌اند.

مسئله مورد بحث در مقاله حاضر، منطق حاکم بر زیرساختها و ساحات عدالت بر اساس نامه های امامان شیعه است. دلیل انتخاب نامه‌ها نسبت به سایر خطابات ائمه علیهم‌السلام، این است که توجه به متن نامه‌ها در طول تاریخ به مراتب کمتر از خطابات ایشان بوده و نکات بکر و توجه‌نشده در نامه‌ها باقی‌مانده است. بنابراین استناد به نامه‌های حضرات ائمه علیهم‌السلام، موجب کشیده شدن پیکان توجه اهل علم به این دستورالعمل‌های ماندگار، خواهد شد. مضاف بر اینکه برخی نکات

۱. برای نمونه می‌توان به بخشی از نامه ۳۱ نهج البلاغه در زمینه اهتمام برپایی عدالت اشاره کرد: اجرای حق را درباره هر که باشد، چه خویشاوند و چه بیگانه، لازم بدار و در این کار شکیبایی به خرج ده که خداوند پاداش شکیبایی تو را خواهد داد. هر چند، در اجرای عدالت، خویشاوندان و نزدیکان تو را زیان رسد. (نامه ۳۱ نهج البلاغه)

از فواید اجرای عدالت، زمینه سازی امیدواری برای مردم است: در نگاه و اشاره چشم، در سلام کردن و اشاره کردن با همگان یکسان باش، تا زورمندان در ستم تو طمع نکنند، و نا توانان از عدالت تو مأیوس نگردند. (نامه ۴۶ نهج البلاغه)

نهفته در نامه‌ها، در خطابات بدین شکل موجود نیست.

درباره جایگاه و اهمیت عدالت در نامه‌های امامان شیعه، می‌توان به محورهای مهمی از جمله مبانی عدالت، هدفگذاری آن در حکومت اسلامی، تلازم عدالت و مبارزه با فساد و ساحات عدالت اشاره کرد. نیز جایگاه آن در ساخت حکومت اسلامی از مسائل مهم مربوط به عدالت است. این مسأله به شیوه تحلیلی در مقاله حاضر مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. پیشینه

در این مقاله سعی بر آن است تا عدالت در مکتوبات و نامه‌های امامان شیعه (ع) مورد بررسی قرار گیرد. لازم به ذکر است که عدالت را می‌توان در سیره امام و عملکرد او، اقوال و خطبه‌ها و در مکتوبات ایشان جستجو کرد. موضوع مقاله حاضر، منطق حاکم بر عدالت در مکتوبات ائمه شیعه علیهم‌السلام است و پرواضح است که اگر موضوع، گسترده‌تر باشد، ابعاد عدالت وسیع‌تر خواهد بود. اما بدین جهت که متأسفانه، در طول تاریخ، مکتوبات ائمه، مورد عنایت جدی پژوهشگران نبوده است، در مقاله حاضر به این موضوع پرداخته شد. البته این نکته بدین معنا نیست که درخصوص مکتوبات ائمه علیهم‌السلام، کتاب یا مقاله‌ای نگاشته نشده است. بلکه بدین معناست که میزان توجه به نامه‌ها نسبت به سایر خطابات بسیار کمتر بوده است. نتیجه جستجو در موضوع مقاله، حکایت از عدم مشاهده کتاب یا مقاله‌ی مستقلی در این زمینه دارد، گرچه به صورت کلی در زمینه عدالت و مبارزه با فساد، مطالبی در آثاری که ذکر خواهد شد، آمده است. مقاله بررسی عدالت از دیدگاه امام علی (ع) با تکیه بر نهج البلاغه، از محمد اسماعیل زاده، به نظرات امام (ع) در خصوص عدالت و نشانه‌های اهل عدل و انواع عدالت از دیدگاه ایشان پرداخته که با محتوای مقاله حاضر تفاوت زیادی دارد. ساحات ذکر شده در این مقاله، فراتر از انواع عدالت ذکر شده در مقاله مذکور است خصوصاً اینکه در مقاله مذکور، رویکرد تحقیق فقط نهج البلاغه است اما در مقاله حاضر نامه‌های همه ائمه علیهم‌السلام مورد بررسی قرار گرفته است.^۱ عدالت اقتصادی از دیدگاه اسلام، به کوشش سید حسین میرمعزی، به بررسی عدالت در نظام اقتصادی اسلام پرداخته و به این مسأله به عنوان هدف و راهبرد نگریسته است. نیز عدالت اجتماعی از دیدگاه اسلام، امیر غنوی، یا عدالت در اندیشه سیاسی امام علی (ع) به قلم علی اکبر علیخانی، تنها ساحاتی از عدالت را یا به صورت کلان از دیدگاه عقل و نقل و یا دیدگاه خاص نهج البلاغه مورد بررسی قرار داده‌اند. اما در آثار فوق و آثار

۱. تذکر این نکته ضروری است که گرچه در این مقاله بررسی نامه‌های همه ائمه مدنظر است اما تعداد نامه‌های ایشان که درباره عدالت باشد، چندان زیاد نیست که قابلیت بررسی آنها در یک مقاله امکان نداشته باشد.

دیگری در ساحات مبارزه با فساد یا عدالت نگاشته شده، منبع و مآخذ محتوا، نامه های ائمه علیهم السلام و نگاه معصومانه همه ائمه علیهم السلام نبوده و حتی در مواقعی که از دیدگاه یک امام، به بحث پرداخته شده، نامه های ایشان منظرگاه نگاه مؤلفان نبوده است.

۳. معناشناسی عدالت

در معنای لغوی عدالت در میان صاحب نظران اتفاق رای مشاهده نمی شود، برخی، عدالت را به معنای مساوات و برابری (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۴۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۵۱) و برخی آن را به معنای استقامت، یعنی راست و موزون بودن دانسته اند. (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۵۶۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۴۳۰) اما در اصطلاح، عدل به معنای انصاف و دادن حق هر ذی حقی است (مصطفی ابراهیم، بی تا، ج ۲، ص ۵۹۴).

شهید مطهری عدالت را به «رعایت حقوق افراد و عطا کردن حق هر ذی حق به او» تعریف کرده (مطهری، بی تا، صص ۶۲-۵۹) و مرحوم علامه طباطبائی نیز در واژه شناسی عدالت، تعریفی مشابه و نزدیک به دو تعریف فوق ارائه نموده است: «به هر کسی آنچه سزاوار است بدهی، تا همه امور مساوی شود و هر یک در جای خود که مستحق آن است، قرار گیرد.» (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۲۷۶) نیز عدل خدا از دیدگاه متکلمان، به این معناست که نیکی ها را ثواب داده و گناهان را عقوبت می کند (شیخ صدوق، ۱۴۱۴ق، ۶۹) نیز به معنای منزّه بودن خداوند متعال از انجام فعل قبیح است (شیخ طوسی، ۱۴۰۶ق، ۶۹). از مجموع تعاریف ارائه شده می توان به این نتیجه رسید که عدالت به معنای رعایت حقوق و اعطای حق به هر ذی حقی است تا امور جهان به سامان شده و به انصاف نزدیک شود.

۴. منطق حاکم بر عدالت

منطق حاکم بر عدالت، به معنای چرایی و جایگاه عدالت است. چراکه منطق، موجب نظم بخشی به تفکر است و نظم بخشی به سخن در باب عدالت نیازمند بررسی جایگاه عدالت، مبانی و اهداف آن است تا چرایی بحث از عدالت به خوبی منقح گردد. بنابراین باید گفت عدل، عقلاً نیکوست و نیکو بودن آن را عقل درک کرده چنانکه عقل قبیح بودن ظلم را درک می کند (علامه حلی، ۱۳۶۵ ش، ۶) و شرع بر جایگاه و گسترش آن توصیه می کند. بنابراین جایگاه درک عدل، عقل بشر است. منطق حاکم بر عدالت شامل سه مؤلفه است. مبانی الهیاتی عدالت، هدفگذاری عدالت در نظام اسلامی و تلازم عدالت و مبارزه با فساد، مؤلفه های منطق حاکم بر عدالت هستند. بنابراین عدالت بر

مبنای نظری استوار بوده، هدف اصلی در تشکیل نظام اسلامی است و با مبارزه با فساد تلازم دارد.

۱-۴- مبانی الهیاتی عدالت

آموزه عدالت دارای مبنای و ساختاری است که نظریه را استوار کرده است. منظور از مبنای الهیاتی عدالت، مبنای کلامی این آموزه است که شامل مبنای خداشناختی، معرفت شناختی و انسان شناختی است که از جمله زیرساخت های این نظریه است.

مبنای خداشناختی: از حیث مبنای خداشناختی، عدالت، ناشی از ذات، فعل و صفت خدا است. خداوند متعال، عادل است و درقرآن کریم، بارها به صفت عدل خویش استناد کرده است (آل عمران، ۱۸۲؛ انفال، ۵۱؛ حج، ۱۰). صفتی که در بررسی افعال او ظاهر می شود.

عدالت الهی اینگونه است که خداوند متعال برای سامان گرفتن امور جهان، به هر صاحب استعدادی، آنچه که استحقاق داشته عطا کرده و حق هر صاحب حقی را ادا فرموده است. (فیض کاشانی، بی تا، ج ۵، ص ۱۰۷). بنابراین صفت عدالت، ریشه الهی داشته و دعوت ائمه علیهم السلام به این آموزه، دعوتی الهی است. امام رضا علیه السلام در بخشی از نامه خود به مامون درباره ذات اسلام، ظلم و جور خداوند نسبت به بندگان را نفی کرده و نوشته است: خداوند متعال ظلم و جور انجام نمی دهد چراکه از این افعال، منزّه است (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۱۲۵) و رهایی از ظلم و برقراری عدالت نیز به دست خداست. بنابراین خداوند عادل است و در افعال خود نیز عادلانه برخورد می کند. چنانکه امام جواد علیه السلام در نامه ای به ابراهیم بن محمد، برای او دعا می کند تا خداوند متعال او را از ظالم نجات دهد. (کشی، ۱۴۰۹ق، ص ۶۱۱)

مبنای انسان شناختی: عدالت، آموزه ای است که ریشه در صفات و افعال انسانی دارد که بالاترین حد آن، در انسان کامل متبلور است. بنابراین از منظر انسان شناختی، عدالت رفتاری و نفسانی، از صفات انسان کامل است. چنانکه امام حسین علیه السلام در نامه ای به مردم کوفه با معرفی مسلم بن عقیل، در معرفی امام به این نکته اشاره می کند که امام کسی است که طبق عدالت رفتار کند نیز دارای عدالت نفسانی بوده، و نفسش را حفظ نماید. (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۹؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۹۰)

مبنای معرفت شناختی: شناخت عدالت، موجب تعیین حدود و دامنه آن شده و ریشه این آموزه را مشخص می کند. منظور از مبنای معرفت شناختی، شناخت ماهیت عدالت است که پس از مفهوم شناسی آن بدست می آید. برخی معتقدند عدالت، ملکه نفسانی است که در نفس انسان مستقر شده و ریشه این صفت و فعل عادلانه می گردد و موجب می شود شخص، ملازم با تقوا و

جوانمردی باشد (حلی، ۱۳۷۵، ج ۸، ص ۴۹۹، عاملی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۵۹؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۲۷؛ امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۰) اما برخی دیگر ماهیت عدالت را همان اعمال درست و پایداری در مسیر دین می دانند که این پایداری می تواند ناشی از ملکه نفسانی است (شیخ انصاری، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۶۴) و از نظر برخی دیگر، این صفت ناشی از ملکه نفسانی نیست. بلکه همان عمل صحیح یعنی انجام واجبات و ترک محرمات و استقامت در دین با انگیزه ترس از خدا یا امید به ثواب است (ابن حمزه، ۱۴۰۸، ص ۲۳۰ و محقق سبزواری، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۱۳۸ و ابن ادریس، بی تا، ج ۲، ص ۱۱۷) این نظر را گروه دیگری نیز بدین شکل نیز مطرح کرده اند که عدالت همان اسلام و عدم ظهور فسق در خارج است (انصاری، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۶۵ و حلی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۸۸ و حسینی عاملی، ۱۴۲۲، ج ۸، ص ۲۶۷) پس مسلمانی که فاسق نباشد، عادل است. حتی اگر فقط ظاهر او صالح و مطیع اوامر و نواهی شرع نباشد (مفید، ۱۴۱۰، ص ۷۲۵ و طوسی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۵۲ و ابن براج، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۵۵۶ و نجفی، ۱۴۲۹، ج ۱۳، ص ۴۷۶). بنابراین از منظر شناختی، عدالت می تواند ملکه نفسانی یا اعمال درست و پایداری در مسیر دین باشد که این اعمال درست، از نظر برخی ناشی از ملکه نفسانی و از نظر برخی دیگر ناشی از این ملکه نیست.

۲-۴- هدفگذاری عدالت در نظام اسلامی

از اهداف اساسی ایجاد حکومت اسلامی و اجرای دین، استقرار عدالت در جامعه است، چراکه اجرای عدالت در میان مردم و اقامه قسط و عدل در صدر اهداف اولیّه ی همه ی بعثت های الهی است و اگر حکومتی در دوره یکی از انبیا تحقق یافته، به دنبال استقرار عدالت بوده است. در دوران اسلام نیز حکومت اسلامی موظف است این هدف مهم را تحقق بخشد. در نامه های امامان شیعه، از عدالت به عنوان یکی از مهمترین اهداف در تشکیل حکومت یاد شده و به عنوان یکی از اصلی ترین وظایف حاکمان و فرمانروایان بیان شده است. بنابراین تشکیل حکومت برای برقراری عدالت بوده و وظیفه و غایت حکومت همین مسأله است. حضرت علی بن ابی طالب در عهدنامه مالک اشتر بر این مسأله تاکید می کنند:

«باید که بهترین مایه شادمانی حاکمان، برپا داشتن عدالت در شهرها و پدید آمدن دوستی در میان مردم باشد» (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۳، ص ۴۳۳)

ایشان در مذاکره با مردم شام و رهبران آنها، از بین رفتن اختلاف و رسیدن به وحدت و اتفاق را از زیرساخت های مهم اجرای عدالت توسط حاکمیت قلمداد می کنند:

«... بیابید با خاموش ساختن آتش جنگ، و آرام کردن مردم، به چاره جویی و درمان بپردازیم، تا

کار مسلمانان استوار شود، و به وحدت برسند، و ما برای اجرای عدالت نیرومند شویم.» (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۸، ص ۴۴۸)

بنابراین برپایی عدالت را غایت تشکیل نظام اسلامی دانسته‌اند که ایمان و وحدت، زیرساخت آن است.

۳-۴- تلازم عدالت و مبارزه با فساد

عدالت اگر در بخش‌های مختلف یک نظام یا یک مجموعه ایجاد شود به شکل طبیعی فساد در آن بخش‌ها و قسمت‌ها، کم رنگ یا ریشه‌کن خواهد شد لذا هرچه اجرای عدالت وسیع‌تر شود، فسادستیزی نیز گستره بیشتری خواهد یافت چراکه این دو متلازمند و وجود یکی در گرو وجود دیگری است و همین نکته می‌تواند بر اهمیت مبارزه با فساد دلالت نماید. چراکه اگر فساد در بدنه‌ی حکومت‌ها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها است. پس برای مقابله با این سم مهلک جوامع، باید چاره‌اندیشی کرد. بنابراین برای تحقق عدالت، مقابله با انواع فسادها ضرورت دارد. چراکه در صورت ترویج فساد در جامعه، زمینه‌ای برای ایجاد، رشد و در نتیجه سیطره عدالت باقی نخواهد ماند.

در نامه‌های امامان شیعه، تلازم دو امر فوق مشاهده می‌شود. امام حسین علیه‌السلام در نامه به سران شیعه کوفه، آشکار کردن فساد را از ویژگی‌های مخالفان معرفی می‌کند (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۴۰۳) همچنانکه در یکی از نامه‌های امام علی (ع) به این تلازم آنها تصریح شده است. ایشان در نامه خود به اسود بن قطبه، فرمانده لشکر حلوان، معتقدند در ستمکاری و فساد، جایی برای عدالت نیست و اگر حاکم اسلامی دچار انحراف در اندیشه و عقیده شود قادر به اجرای عدالت گسترده نخواهد بود:

«پس از یاد خدا و درود. اگر رأی و اندیشه زمامدار دچار دگرگونی شود، او را از اجرای عدالت بسیار باز می‌دارد. پس باید که کار مردم در آنچه حق است، نزد تو یکسان باشد، زیرا در ستمکاری، ارزشی برای عدالت یافت نمی‌شود» (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۹، ص ۴۴۹؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷، ص ۱۴۵)

در نامه امام رضا (ع) به محمد بن سنان نیز عدالت و ترک ظلم و فساد در کنار یکدیگر آمده که شاهده‌ی بر تلازم این دو است. ایشان در این نامه، در تبیین علت تحریم فرار از جهاد، آن را مانع از اهداف پیشوایان عادل و اجرای عدالت و ترک ستمگری و فساد می‌دانند (شیخ صدوق، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۴۸۱ و شیخ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۸۷)

این تلازم از نامه امام صادق (ع) به عبدالرحمن بن سبابة نیز به دست می‌آید. امام در بخشی از

مکاتبه خود، از اینکه جهل را به جای علم و ستم و فساد را به جای عدالت قرار دهد، به خداوند متعال پناه می برد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۹۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۹، ص ۱۶۸۳، مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص ۴۶۸). بنابراین می توان نتیجه گرفت که عدالت و مبارزه با فساد با یکدیگر تلازم دارند. لذا نمی توان عدالت را شعار داد اما با فساد مبارزه نکرد.

۵. ساحات های عدالت در پرتو نامه های امامان شیعه (ع)

عدالت که آموزه ای عقلی و دینی است، در نامه های امامان شیعه، دارای پنج ساحت اقتصادی، اخلاقی، حقوقی، نفسانی و سیاسی است که البته از میان این سه، بُعد اقتصادی فراگیری و اثربخشی بیشتری در مقایسه با چهار ساحت دیگر دارد.

۱-۵- عدالت اقتصادی

عدالت اقتصادی به عنوان یکی از ابعاد مهم عدالت، در یک تعریف به معنای مراعات حقوق اقتصادی افراد در حوزه رفتارها و روابط اقتصادی است که در سیره و سخن حضرات اهل بیت از جایگاه ممتازی برخوردار است. در یکی از نامه های نهج البلاغه، امام علی (ع) در راستای تحقق عدالت اقتصادی در جامعه اسلامی، بر ممنوع بودن احتکار به دلیل تضاد و تقابل آن با مساله عدالت تاکید کرده و چنین بیان می کنند: «مانع از احتکار باش که رسول الله (صلی الله علیه و آله) از آن منع کرده است و باید خرید و فروش به آسانی و بر موازین عدل صورت گیرد، به گونه ای که در بها، نه فروشنده زیان بیند و نه بر خریدار اجحاف شود.» (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۳۸؛ شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۴۲۷)

در این عبارت، امام (ع) علاوه بر نهی از احتکار، راهکاری مناسب براساس معیار عادلانه جهت اجرای عدالت اقتصادی در بازار اسلامی و داد و ستد مسلمانان ارائه می نماید. در مکاتبات امامان، مبارزه با فساد اقتصادی دارای مراحل مختلفی از قبیل حسابرسی دقیق، پس گرفتن اموال بیت المال، مجازات مفسدان اقتصادی و عزل کارگزاران است:

الف) قاطعیت در حسابرسی بیت المال

در نامه ۴۰ نهج البلاغه، سخنی از امام علی (ع) درباره مواخذه یکی از کارگزارانش نقل شده است که حکایت از قاطعیت ایشان در حسابرسی بیت المال دارد:

خبری از تو به من رسیده، اگر آن را انجام داده باشی پروردگارت را به غضب آورده ای و امامت را عصیان کرده ای و در امانت خیانت کرده ای. به من خبر رسیده که محصولات زمین را برداشته ای و آنچه زیر پا داشته ای گرفته ای و آنچه در دست بوده خورده ای. سریعاً حسابت را بفرست و بدان که

حساب خدا سخت تر است.^۱» (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۴۰، ص ۴۱۲ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۳، ۵۵۰؛)

ب) پس گرفتن اموال بیت المال

همزمان با شهادت امام کاظم(ع) در سال ۱۸۳ق سه نفر از وکلای ایشان به نام های علی بن ابی حمزه بطائنی، زیاد بن مروان قندی و عثمان بن عیسی رواسی، که اموال زیادی از شیعیان به امنت در اختیار داشتند و باید به دست امام می رسانند، با اغراض و انگیزه های مختلف درگذشت امام کاظم را انکار کرده و امامت حضرت رضا(ع) را نپذیرفتند و اموال را به نفع خود ضبط کردند، از این رو امام رضا(ع) به عثمان بن عیسی که در مصر حضور داشت نامه نوشت و از او خواست تا اموال را به ایشان تحویل دهد. (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۱۱۳؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۶۵)

ج) مجازات برای مفسدان اقتصادی

علاوه بر مواخذه و بازپس گیری بیت المال از فرد خطاکار، مساله مجازات نیز در نامه های ائمه دیده می شود. برای نمونه می توان به عملکرد حضرت علی(ع) درباره فساد مالی یکی از وابستگان حکومت اشاره نمود. وقتی علی بن هزمه که ناظر بازار اهواز بود و از بازاریان رشوه گرفت، حضرت نامه ای به رفاعه بن شداد، قاضی منصوب خود در اهواز فرستاد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۱، ص ۱۱۹ روایت ۲۷) و به او دستور داد که ناظر را به شکل خاصی ۱۰۰ ضربه شلاق بزند. در نامه امیرالمومنین آمده است که او را در روز جمعه از زندان بیرون آورده شلاق زدند و در بازار که محل رفت و آمد مردم است، بگردانند و سپس با خواری و زشتی به زندان بازگردانند و... (ابن مغربی، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۳ - ۵۳۲، روایت ۱۸۹۲)

د) حذف مُفسد از چرخه کارگزاری

مرحله دیگر در مقابله با فساد، برکناری مسؤول از منصب و مسوولیت است. زمانی که به امام علی(ع) خبر دادند که علی بن هزمه، ناظر بازار اهواز مرتکب تخلف مالی شده است، ایشان در خطاب به والی خود در منطقه اهواز چنین نگاشت: وقتی که نامه ام به دست رسید، فوراً ابن هرمه را از مسئولیت بازار عزل کن. (ابن مغربی، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۵۳۲)

این مهم در عهدنامه مالک اشتر نیز مورد تاکید حضرت علی(ع) قرار گرفته است: اگر یکی از

۱. به نظر می رسد خطاب امام در این نامه به ابن عباس باشد.

کارگزاران دست به خیانت زد و گزارش های همه مراقبان آن را تأیید کرد، همان گزارش ها را شاهد بگیر و به سرعت او را به کیفر جسمانی برسان و... او را به خواری بکشان و داغ خیانت بر پیشانی نشان و حلقه ننگ تهمت به گردنش بیاویز. (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۳۷؛ شریف رضی، ۱۴۱۴ق؛ ص ۴۳۵؛ ابن ابی الحدید، ج ۱۷، ص ۶۹)

نمونه دیگر در این زمینه می توان به نحوه برخورد امام یازدهم شیعه (ع) با یکی از وکلای خود اشاره کرد. عروه بن یحیی، معروف به عروه الدهقان و عروه الوکیل، کارگزار امام عسکری (ع) در بغداد پس از انحراف از مسیر حق و تصرف ناحق در بیت المال و آتش زدن اموال عمومی و افترا بر امام، با برخورد قاطع امام (ع) مواجهه شد و علاوه بر عزل از مقام، با توجه به انحراف عقیدتی، مورد لعن و نفرین ایشان قرار گرفت. (کشی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۷۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۰، ص ۳۰۱)

۲-۵- عدالت اخلاقی

عدالت یکی از اصول اخلاقی است. امام صادق علیه السلام در نامه خود به مفضل بن عمر برای تشویق او به رعایت تقوی نوشته است: خداوند متعال در قرآن به عدل، احسان، دستگیری از ذی القربی و نهی از فحشا، منکر و ظلم دعوت کرده است (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۵۲۸) بنابراین ایشان عدالت را به عنوان آموزه ای قرآنی، توصیه می کنند. نیز بحث عدالت اخلاقی در نامه امیرالمومنین (ع) به فرماندار مصر، محمد بن ابی بکر، هنگامی که او را در آغاز سال ۳۷ هجری به سوی مصر فرستاد، نمایان است. ایشان در این نگاشته خویش، دستورالعمل های دقیق و جامعی برای رعایت عدالت اخلاقی در میان مردم بیان می کنند:

«با مردم فروتن، نرمخو و مهربان باش، گشاده رو و خندان باش. در نگاه هایت و در نیم نگاه و خیره شدن به مردم، به تساوی رفتار کن، تا بزرگان در ستمکاری تو طمع نکنند و ناتوان ها از عدالت تو مأیوس نگردند.» (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۸۳؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۵، ص ۱۸۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۳، ص ۵۸۰)

دقت در متن نامه، این نکته مهم و اساسی را رهنمون می کند که اگر عدالت اخلاقی مدنظر قرار نگیرد و به مرحله اجرا و عمل نرسد، زمینه طمع ورزی بزرگان در ستمکاری و ناامیدی ناتوان ها در عدالت را پدید می آورد.

۳-۵- عدالت حقوقی

عدالت در مسأله حقوق نیز اهمیت زیاد داشته و پایه زمامداری و اداره نظام اسلامی است. در این باره می توان به سفارش موکد حضرت علی (ع) به رعایت مقررات عدالت در مسأله قصاص که باید در

مورد ابن ملجم مرادی اجرا می شد. ایشان به فرزندان و اطرافیان دستور می دهند اگر بنای قصاص باشد، شما باید دقیقاً به همان سبک و شیوه ای که این مجرم ضربه وارد کرده، قصاص را عملیاتی کنید، بدون هیچ کم و زیادی و روا نیست اقدامی فراتر این صورت دهید. عبارت امام در نهج البلاغه چنین است: «ای فرزندان عبدالمطلب: مبدا پس از من دست به خون مسلمانان آلوده کنید و بگویید، امیر مؤمنان کشته شد، بدانید جز قاتل من فرد دیگری نباید کشته شود. درست بنگرید اگر من از ضربت او از دنیا رفتم، او را تنها يك ضربت بزنید، و دست و پا و دیگر اعضای او را قطع نکنید.» (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۴۷؛ ص ۴۲۲؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۸ق، ج ۳، ص ۳۱۲)

نمونه دیگر در این راستا نامه حضرت امیرالمومنین (ع) به سرداران سپاه در آغازین روزهای به دست گیری خلافت است، ایشان در نگاشته کوتاه خود، محروم کردن مردم از حقشان را زمینه ساز رواج رشوه در جامعه و در نتیجه رهنمون شدن مردم به مسیر باطل می دانند: «اما بعد، آنان که پیش از شما بودند هلاک شدند، زیرا مردم را از حقشان محروم نمودند تا آن را با دادن رشوه به دست آوردند. مردم را به راه باطل کشانیدند و مردم هم از پی ایشان رفتند.»^۱ (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۷۹، ص ۴۶۶؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۷۷)

۴-۵- عدالت نفسانی

عدالت افضل فضائل نفسانی است که به معنای ایجاد اعتدال در نفس و نظارت بر عملکرد خویش است (ملاصدرا، ۱۳۸۳، ج ۴، ۲۰۶) راهکار استقرار عدالت در نفس و در امان ماندن از فساد و مبارزه با آن، رعایت تقوای الهی و نظارت بر عملکرد خود است. چراکه همه باید از شیطان درون برحذر باشند. بنابراین میان عدالت و تقوا ارتباطی تنگاتنگ است تا جاییکه اگر تقوا وجود نداشته باشد عدالت نفسانی حاصل نخواهد شد. حضرت علی (ع) در برخی از نامه های خود، مسوولان و مردم را به رعایت تقوی و به یاد خدا بودن، توصیه کرده و ضرورت خودکنترلی را جهت دستیابی به نظامی عادلانه یادآور می شود: ایشان در نامه ۵۳ نهج البلاغه در خطاب به مالک اشتر به عنوان والی منطقه مصر می فرمایند: و هرگز حاکم و مسلط بر خود نخواهی شد تا اینکه بسیار به یاد خداوند باشی و به سوی او بازگردی (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۴۴؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷، ص ۱۱۳)

عدالت نفسانی موجب نگهداری از خویش و ظلم نکردن به نفس است. ستم به نفس، دارای ابعاد و انواع مختلفی نظیر گناهان زبانی، جنسی، نگاه آلوده، انحرافات عقیدتی و ... است که روش مبارزه با آن

۱. نهج البلاغه، نامه ۷۹: أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ أَنَّهُمْ مَنَعُوا النَّاسَ الْحَقَّ فَاسْتَرَوْهُ، وَأَخْلَوْهُمْ بِالْبَاطِلِ فَاقْتَدَوْهُ.

در مکاتبات امامان شیعه انعکاس یافته است. نامه امام باقر به سعد الخیر و توصیه به رعایت تقوای الهی که دارای آثار و پیامدهای بسیاری از جمله ایمن ماندن از آسیب و سقوط است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۵۲؛ مکاتیب الاثمه، ج ۳، ص ۲۳۱) همچنین در نامه امام صادق (علیه السلام) به مفضل بن عمر رعایت تقوا و اطاعت از خداوند متعال مورد تاکید قرار گرفته است. (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۵۲۶)

۵-۵- عدالت سیاسی

عدالت سیاسی نیز نوعی از عدالت است که مورد توجه امامان شیعه قرار داشته است. امام صادق (ع) در نامه خود به عبدالله نجاشی، فرماندار منطقه اهواز، وی را به رعایت عدالت در میان مردم توصیه می کند: «با رعایت حق و عدالت، راه رعیت را اصلاح کن.» (شهید ثانی، ۱۳۹۰ق، ص ۸۸) در عهدنامه مالک اشتر، امام علی (ع) در این باره می فرماید: «اگر مردم به ستمگری تو گمان کنند، دلیل خود را آشکارا با ایشان مطرح کن و با این کار از بدگمانیشان کم کن، که چون چنین کنی، خود را به عدالت پرورش داده ای و با رعیت مدارا نموده ای، دلیلی که می آوری سبب می شود که تو به مقصود خود برسی و آنان نیز به حق راه یابند.» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۴۵؛ شریف رضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۳۱، ص ۴۴۲)

عدالت سیاسی زمانی محقق می شود که مدیران و افراد شایسته و توانمند، زمام امور را در اختیار گیرند و اگر مسوولان نالایق و غیرشایسته روی کار آیند علاوه بر عدم تحقق عدالت سیاسی و اجتماعی در جامعه، آسیب های جدی و جبران ناپذیری برای مردم رخ خواهد داد، در همین باره امام علی (ع) در نهج البلاغه چنین می فرماید: «من بیم دارم که نابخردان و ستمکاران زمام امور مملکت را به دست گیرند و مال خدا را دست به دست بگردانند و بندگان او را بردگی خود گیرند.» (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۶۲، ص ۴۵۲؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷، ص ۲۲۵)

حضرت علی (ع) به عنوان حاکم اسلامی در نامه خود به مالک اشتر نسبت به مساله شایسته سالاری هشدار داده و او را از انتخاب افراد براساس روابط و امتیازهای نابجا نهی فرموده است: آنان را بر اساس نخبه بودن و شایستگی به کار بگمار و از روی روابط و امتیازهای نابجا، آنان را به کار نگیر (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۳۷؛ شریف رضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۳، ص ۴۳۵؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷، ص ۶۸)

مبارزه با فساد سیاسی و برقراری عدالت سیاسی، دارای دو راهکار مهم است:

الف) نظارت عملکردی

با توجه به مصون نبودن انسانها از گناه و اشتباه و جولان مداوم افکار انحرافی و وسوسه های

نفسانی و شیطانی، هر لحظه امکان ارتکاب رفتار ناشایست و خروج از مسیر و صراط مستقیم وجود دارد، از این رو به نظر می‌رسد، پیشگیری از ظهور و بروز فساد در جامعه و به ویژه در بین مدیران و حاکمان ضروری است، یکی از بهترین راه‌ها، وجود ناظران و دستگاه‌های نظارتی است که وظیفه عمده آنها، رصد دقیق عملکرد مدیران و مسوولان دولتی است.

در عهدنامه مالک اشتر، حضرت علی(ع)، مالک را(به عنوان والی خود در مصر) نسبت به این مساله حیاتی و مدیریتی توجه داده و می‌فرماید: با فرستادن مأموران مخفی - که اهل صدق و راستی و وفا باشند - کارهای آنان را زیر نظر بگیر! زیرا بازرسی نهانی در کارشان، آنان را به رعایت امانت و ملاطفت با مردم وادار می‌سازد. و با دقت فراوان، مواظب أعوان و انصار و کارگزاران خود باش و اعمال ایشان را تحت نظر داشته باش. (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۳، ص ۴۳۵؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷، ص ۶۹)

ب) مبارزه حکومتی با فساد

یکی از وظایف مهم حکومت اسلامی، انجام اقدامات پیشگیرانه در ایجاد فساد و مبارزه با توسعه آن در ابعاد گوناگون است. در یکی از نامه‌های نهج البلاغه، عملکرد حضرت علی(ع) به عنوان حاکم اسلامی در مقابله با این پدیده غلط دیده می‌شود. زمانی که ایشان از دست درازی و خیانت ابن عباس؛ والی خود در بصره اطلاع یافت، نامه‌ای تند و توبیخ آمیزی به وی نوشت: ... «آن‌هنگام که دیدی روزگار بر پسرعمویت سخت گرفته و دشمن به او هجوم آورده و امانت در میان مردم خوار و بی ارزش شده، و... با دیگر خیانت‌کنندگان خیانت کردی. ... پس از خدا بترس و اموال آنان را باز گردان. اگر چنین نکنی و خدا مرا فرصت دهد تا بر تو دست یابم، تو را کیفری خواهیم کرد که نزد خدا عذرخواه من باشد و با شمشیری تو را می‌زنم که به هرکس زدم، وارد دوزخ گردید.» (شریف رضی، نامه ۴۱، ص ۴۱۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۳، ص ۵۰۰)

۶. نتیجه گیری:

عدالت اساساً یک مفهوم ارزشی است و بار معنایی مثبتی دارد به شیوه‌ای که حمل وصف عادل بر صاحب آن، موجب نگاهی مثبت و ارزشمند به آن فرد خواهد شد و برای تمام مصادیقش ارزش را به همراه می‌آورد و این آموزه همواره مورد تأکید امامان شیعه بوده است. در میان فعل، قول و سیره امامان، معمولاً اقوال امام مورد توجه قرار گرفته و مکتوبات ایشان مورد بررسی جدی قرار نگرفته‌اند. درحالی‌که بسیاری از توصیه‌ها، رهنمودها و دستورالعمل‌های اجرایی در تحقق دین و اصول انسانی همچون انواع عدالت در ساحات نفسانی، اخلاقی، حقوقی، سیاسی و اقتصادی، در مکتوبات ایشان نهفته است که باید در کنار اقوال امامان، مورد بررسی قرار گیرند و سرفصل تدوین راهبردها و برنامه‌های آزادی‌خواهان و عدالت‌طلبان قرار گیرند. عدالتی که در اندیشه اسلامی تبیین شده، ریشه در عقل بشر داشته و مورد مخالفت ادیان دیگر نیست و دستورالعمل‌های امامان شیعه، هر حکومتی را به استقرار عدالت نزدیک می‌کند. تلازم عدالت و فسادستیزی، تلازمی ضروری و انکار نشدنی است که آموزه عدالت‌خواهی را از شعار فراتر برده و در عمل و وظیفه مستقر می‌کند. یکی از نتایج تلازم عدالت و ظلم‌ستیزی این است که شعار عدالت بدون فسادستیزی خالی از ارزش است بنابراین نمی‌توان با هیچ ظالمی صلح کرد که دستش آغشته به خون مظلوم است. چون عدالت ملازم با مبارزه با ظلم و ظالم است و سازش با ظالم با اصل عدالت در تنافی است. نیز با استقرار عدالت بر مبانی و شالوده‌های محکم الهیاتی، باید پذیرفت که این اصل دینی، لازم‌الاجراست و در این میان، نمی‌توان تنها به استقرار عدالت تنها در یک ناحیه و ساحت پرداخت. چراکه طبق منویات معصومانه ائمه علیهم‌السلام، عدالت ابتدا باید در نهاد شخص مستقر شده سپس در ساحات اخلاقی، سیاسی، حقوقی و اقتصادی مستقر و اجرا گردد و اجرای درست در این ساحات نیز در گرو عمل به دستورالعمل‌هایی است که در نامه‌های حضرات معصومان ذکر شده‌اند.

منابع و مآخذ

۱. ابن ابی الحديد، عبدالحمید بن هبة الله، (۱۴۰۴ق) شرح نهج البلاغه، مصحح محمد ابوالفضل ابراهيم، اول، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي
۲. ابن ادريس حلي، محمد بن منصور، (بی تا) السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى، ج ۲، قم، نشر اسلامي،
۳. ابن بابويه، محمد بن علی (شيخ صدوق)، (۱۳۸۵ش/ ۱۹۶۶م) علل الشرائع، اول، قم، کتابفروشی داوری
۴. ابن بابويه، محمد بن علی (شيخ صدوق)، (۱۳۷۸ق)، عيون اخبار الرضا، اول، تهران، نشر جهان
۵. ابن براج، قاضي عبدالعزيز، (۱۴۰۶ق) المذهب، قم، مؤسسه الاسلامي،
۶. ابن حيون مغربي، نعمان بن محمد، (۱۳۸۵ق)، دعائم الاسلام، تحقيق آصف فيضي، دوم، قم، مؤسسه آل البيت (ع)
۷. ابن شعبه حراني، حسن بن علی، (۱۴۰۴ق) تحف العقول؛ تحقيق علی اكبر غفاري، دوم، قم، جامعه مدرسين
۸. ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ق) معجم مقاييس اللغة، مصحح عبدالسلام محمد هارون، اول، قم، مكتب الاعلام الاسلامي
۹. ابن منظور، محمد بن مكرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، سوم، بيروت، دار صادر
۱۰. ابن حمزه، محمد بن علی، (۱۴۰۸ق) الوسيلة الى نيل الفضيلة، قم، مكتبة آية الله النجفي،
۱۱. احمدی میانجی، علی، (۱۴۲۶ق) مكاتيب الاثمه (ع)، مصحح مجتبی فرجی، اول، قم، دار الحديث
۱۲. امام خميني، روح الله، (۱۳۷۹ش) تحرير الوسيله، قم، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني،
۱۳. انصاري، شيخ مرتضى، (۱۳۷۴ش) المكاسب، ج ۳، قم، دهاقاني،
۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق) وسائل الشيعة، تحقيق مؤسسه آل البيت (ع)، اول، قم، ناشر مؤسسه آل البيت (ع)
۱۵. خوانساري، سيد جمال الدين، (۱۳۶۰) محمد، شرح غرر الحكم و درر الحكم، به تصحيح سيد جلال الدين ارموي، تهران، انتشارات دانشگاه تهران،
۱۶. راغب اصفهاني، حسين بن محمد، (۱۴۱۲ق) مفردات الفاظ القرآن، اول، بيروت، دار القلم،

۱۷. شریف رضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ق) نهج البلاغه، مصحح صبحی صالح، اول، قم، هجرت،
۱۸. شیخ حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، تحقیق موسسه آل البيت، قم، انتشارات آل البيت عليهم السلام، اول
۱۹. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۳۹۰ق)، کشف الریبه، دار المرتضوی للنشر، بی جا، سوم
۲۰. صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات، تحقیق محسن بن عباسعلی کوچه باغی، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، دوم
۲۱. طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۳۶۳ش) المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، بنیاد علمی فرهنگی علامه طباطبائی،
۲۲. طباطبائی یزدی، محمدکاظم، (۱۴۲۴ق) الوثقی العروۃ، ج ۲، قم، مؤسسه النشر الاسلامی،
۲۳. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۱ق) الغیبه للحجه، تحقیق عباد الله تهرانی و علی احمدناصح، اول، قم، دار المعارف الاسلامیه،
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۷ق) کتاب الخلاف، قم، مؤسسه الاسلامی،
۲۵. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۶ق) الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد - بیروت، چاپ: دوم،
۲۶. عاملی، زین الدین بن علی، (۱۳۸۲ش) الروضه البهیة فی شرح اللعمه الدمشقیة، ج ۴، قم، دارالتفسیر،
۲۷. علامه حلی، (۱۳۶۵ش) الباب الحادی عشر - تهران، چاپ: اول،
۲۸. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، (۱۴۱۵ق) قاموس المحيط، اول، بیروت، دار الکتب العلمیه،
۲۹. فیض کاشانی، محمدحسن، (۱۴۰۶ق) الوافی، اول، اصفهان، کتابخانه امیرالمومنین علی(ع)،
۳۰. فیض، محمدحسن، (بی تا) تفسیر الصافی، مشهد، دارالمرتضی،
۳۱. فیض کاشانی، (۱۳۷۱ش) نوادر الاخبار فیما یتعلق باصول الدین، تحقیق مهدی انصاری قمی، اول، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی،
۳۲. کشی، محمد بن عمر، (۱۴۰۹ق) رجال الکشی، مشهد، موسسه نشر دانشگاه مشهد، اول
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق) الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه،

۳۴. کرکی، علی ابن الحسین، (۱۴۱۵ق) جامع المقاصد، قم، مؤسسه آل البيت، دوم
۳۵. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳ق) بحار الانوار، دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی،
۳۶. _____ (۱۴۰۴ق) مراه العقول فی شرح اخبار آل الرسول، محقق سیدهاشم رسولی محلاتی، دوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه،
۳۷. محقق سبزواری، محمدباقر، (۱۴۲۳ق) کفایه الفقه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی،
۳۸. محمودی، محمدباقر، (۱۳۸۷ق) نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه، بیروت، مؤسسه التضامن الفکری،
۳۹. مصطفی ابراهیم، معجم الوسیط، بیروت، دار احیاء التراث العربی،
۴۰. مطهری، مرتضی، (بی تا) عدل الهی، چاپ دوم، تهران انتشارات صدرا
۴۱. مفید، محمد ابن نعمان، (۱۴۱۰ق) المقنعه، چ ۲، قم، مؤسسه الاسلامی، النشر
۴۲. مفید، محمد ابن نعمان، (۱۴۱۳ق) الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، چ ۱، قم، کنگره شیخ مفید، اول
۴۳. ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، مناقب آل ابی طالب، قم، علامه، اول
۴۴. طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۷ق)، تاریخ الرسل و الملوك، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، الثانيه
۴۵. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوكیه، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۰ ه. ش، دوم.
۴۶. صفار، محمد بن حسن، ۱۴۰۴ق، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)، تحقیق محسن کوچه باغی، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، دوم